

روایتی در باره وضع مالیات: محاسبه غلط عواید و درک نادرست منازعه در افغانستان

برای بیش از دو دهه، تولید مواد مخدر غیرقانونی، از سوی سازمان ملل متحد و برخی از افراد در دولت‌های غربی و رسانه‌ها، مرادف طالبان تلقی شده است. بر اساس برآوردهای انجام شده میزان پولی که طالبان از مواد مخدر به دست می‌آورند، حیرت آور است و اغلب به صدها میلیون دالر در سال می‌رسد. به عنوان مثال، دفتر کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNODC) گزارش داد که طالبان در سال ۲۰۱۹، ۱۴.۵ میلیون دالر از بابت مالیات بر کشت تریاک و تا ۱۱۳ میلیون دالر از تولید و قاچاق مشتقات مواد مخدر به دست آورده‌اند؛ تیم نظارت بر تحریم‌های سازمان ملل و سایر تحلیلگران این رقم را تا ۴۰۰ میلیون دالر اعلام کردند.

این پنداشت که طالبان مبالغ قابل توجهی را از طریق مالیات بر کشت تریاک، تولید مشتقات مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر در مرزهای افغانستان جمع‌آوری کرده‌اند، مبنای شکل‌گیری روایت "شورش‌گری معطوف به مواد مخدر" (narco-insurgency) است. اتهامات مربوط به دست داشتن برخی از رهبران ارشد طالبان در قاچاق مواد مخدر این روایت را تا آنجا تقویت می‌کند که برخی از رهبران نظامی غربی استدلال کرده‌اند که طالبان چیزی شبیه یک باند جرمی است که جاه‌طلبی‌های ارضی آنها عمدتاً ناشی از دخالت شان در تجارت مواد مخدر است. حتی ممنوعیت تریاک توسط طالبان در سال ۲۰۰۰ - که توسط یکی از اعضای ارشد UNODC در آن زمان به عنوان "یکی از چشم‌گیرترین موفقیت‌ها" توصیف شد - توسط بخش‌هایی از سازمان ملل، تحلیل‌گران غربی و برخی از تمویل‌کنندگان به عنوان یک ترفند بدبینانه تلقی می‌شود. این تلقی بدبینانه ناشی از این اعتقاد است که منبع اصلی مالی طالبان مواد مخدر غیرقانونی است و [طالبان خواست با این کار] قیمت تریاک را که گمان می‌رفت سهام انباشته بود، افزایش دهد.

تجزیه و تحلیل دقیق هزینه‌های تولید تریاک و پروسس و قاچاق مشتقات مواد مخدر، افیدرین و مت‌آمفتامین در تضاد کامل با فهم متعارف از منابع مالی طالبان قرار دارد. این تحلیل طی بیش از دو دهه با مشارکت افرادی صورت گرفته است که مستقیماً در تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان دخیل بوده‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهد که نرخ مالیاتی که بر مواد مخدر وضع می‌شود بسیار کمتر از آن چیزی است که سازمان ملل و دیگران ادعا می‌کنند. برای مثال، دهقان‌ها در جنوب و جنوب غرب افغانستان، جایی که تقریباً سه چهارم تریاک کشور تولید می‌شود، به ازای هر واحد زمین، مقدار ثابتی تریاک را به طالبان پرداخت می‌کنند که حدود ۲.۵ درصد محصول نهایی است، رقمی که به مراتب کمتر از عشر "۱۰ درصد" است که معمولاً گزارش می‌شود. به همین صورت، مالیات ترکیبی بر تولید و تجارت ۱ کیلوگرام هیروئین اولیه، کمتر از ۶ دالر است، مقدار بسیار ناچیزی از قیمت فروش که بین ۱۴۰۰ تا ۱۹۰۰ دالر است. در واقع، آن طور که ادعا می‌شود، اگر مالیات وضع شده بر تریاک ۱۰ درصد ارزش آن می‌بود، تولید هیروئین اولیه سودمندی نمی‌داشت. این تحقیق می‌گوید به لحاظ اداری و اقتصادی، مالیات ۱۰ درصدی امکان ندارد.

این تحلیل بر جزئیات، درآمد حاصل از مالیات بر مشتقات مواد مخدر را در سال ۲۰۲۰، ۱۹ میلیون دالر اعلام می‌کند، و ۱۵ میلیون دالر دیگر احتمالاً از تولید و تجارت چرس و مت‌آمفتامین به دست آمده است. این رقم بسیار کمتر از پولی است که طالبان از طریق وضع مالیات بر انتقال اجناس قانونی به دست آورده‌اند، از جمله رقم تخمینی ۸۳.۴ میلیون دالر مالیات در سال، بر تجارت سوخت و کالاهای ترانزیتی در سال ۲۰۱۹ تنها از ایران. در نیمروز، منطقه‌ای که تولید مشتقات مواد مخدر و مت‌آمفتامین در آن متمرکز است و مجرای اصلی قاچاق مواد مخدر به پاکستان و ایران است، تخمین زده می‌شود که طالبان در سال ۲۰۲۰ سالانه ۵.۱ میلیون دالر از مواد مخدر درآمد داشته است. این مبلغ ۹ درصد کل پولی است که [طالبان] در این ولایت به دست آورده است، در مقایسه با ۴۰.۱ میلیون دالر مالیات بر تجارت کالاهای قانونی در شاهراه زرنج - دلارام.

در شرایط کنونی که طالبان در کابل حضور دارند و یک فاجعه بشری در حال وقوع است، این خطر وجود دارد که ارزیابی دقیق‌تر منابع مالی آن‌ها جانبدارانه تلقی شود، به‌ویژه زمانی که این ارزیابی، روایت غالب را که مواد مخدر غیرقانونی را منبع اصلی درآمد طالبان می‌داند، به چالش بکشد. واقعیت این گونه نیست: بیان درست منابع مالی طالبان به معنای همدردی با رژیم طالبان نیست. مقاله حاضر گزارش تجربی مفصل از پول‌های به دست آمده توسط طالبان است و خواستار آن است که در آینده منابع مالی بازیگران دولتی و غیردولتی، نه تنها در افغانستان بلکه در سایر کشورهای شکننده و جنگ‌زده، بر اساس شواهدی ارزیابی شود که با روش‌های مناسب به دست آمده است، نه از طریق مفروضات نادرست.

در افغانستان، برآورد نادرست منابع مالی طالبان و توصیف این جنبش به عنوان شورش گری معطوف به مواد مخدر کارساز نبوده است. تصورات نادرست، توانایی مقامات دیپلماتیک و نظامی غربی را در درک شورش گری یعنی منابع، انگیزه‌ها، حامیان و آمال سیاسی آنها، تضعیف می‌کند. روایات ناقص باعث پالیسی‌هایی شد که جمعیت روستایی را دور راند، پالیسی‌هایی مانند محو اجباری تریاک و بمباران آزمایشگاه‌های هیروئین. این پالیسی‌ها سبب شد ده‌ها قین به طالبان کمک کنند، با این عقیده که شورشیان می‌توانند از آنها در برابر پالیسی‌های مبارزه با مواد مخدر دولت افغانستان و حامیان خارجی آن دفاع کنند. تبلیغات ضد طالبان نتوانست در میان مردم افغانستان جا باز کند، مردمی که بیشتر شاهد اخاذی و قاچاق مواد مخدر توسط مقامات دولتی بودند تا طالبان. ناتوانی در رسیدگی به این نوع فساد و وجود سایر منابع مالی طالبان، از جمله کمک‌های مالی خارجی، ایالات متحده و متحدانش را نسبت به خطراتی که متوجه جمهوری افغانستان بود غافل ساخت و از آمادگی آنها برای مقابله با ظهور طالبان به عنوان یک نیروی سیاسی و نظامی، کاست.

در ماه‌های آینده، جامعه بین‌المللی باید به راه‌های جلوگیری از فروپاشی دولت در افغانستان توجه کند. بحران فزاینده اقتصادی - در نتیجه خشک‌سالی، بیماری کرونا و ویروس (COVID-19)، تحریم‌ها و تصمیم طالبان برای تشکیل دولتی که برای جلب اعتماد کمک‌کنندگان و سرمایه‌گذاران خصوصی کار چندانی انجام نمی‌دهد - می‌تواند حتی به بی‌ثباتی سیاسی بیشتر بینجامد. در شرایط کنونی، دشوار است تصور کنیم که طالبان می‌توانند سالانه بیشتر از ۰,۷۵ میلیارد دلار درآمد ایجاد کنند و خطر بازگشت به وضعیت حداقلی دهه ۱۹۹۰ زیاد است، دوره‌ای که رژیم صرفاً بر امنیت و عدالت تمرکز داشت و خدمات اساسی تحت عنوان کمک‌های بشردوستانه ارائه می‌شد.

طالبان برای جبران کاهش عواید داخلی گزینه‌های اندکی در اختیار دارند، چه رسد به نبود کمک‌های بین‌المللی. تجارت فرامرزی کالاها قانونی به وضوح برای تامین منابع مالی طالبان حیاتی بوده است و علی‌رغم اختلال ادامه دارد، اما تحت تأثیر بحران اقتصادی قرار خواهد گرفت. تجارت کالاها قانونی احتمالاً پس از تصرف تمام مسیرهای عمده تجارتي رسمی و غیر رسمی برای دولت طالبان اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. اهرم فشار بر طالبان عمدتاً در اختیار کشورهای همسایه خواهد بود، زیرا اقداماتی که تجارت بین افغانستان و همسایگانش را محدود می‌کند می‌تواند خطر یک فاجعه انسانی را افزایش دهد.

طالبان همچنین در گسترش ساحات مالیاتی خود به مناطق روستایی مؤثر عمل کرده‌اند، و بر زمین، محصولات زراعتی (نه فقط تریاک)، و در برخی مناطق، استفاده از آب‌های زیرزمینی مالیه وضع کرده‌اند. این استراتژی باعث ایجاد پیوند با جمعیت روستایی شده و منابع مالیاتی را گوناگون ساخته است، کاری که دولت سابق نتوانست انجام دهد و ترجیح داد به کمک‌های مالی تمویل کنندگان اتکا کند. این نیز یک منبع درآمد ارزشمند برای دولت جدید خواهد بود. اگرچه تجارت مواد مخدر منبع اصلی درآمد طالبان نیست، همچنان منبع اصلی امرار معاش بخش مهمی از جمعیت روستایی خواهد بود، به ویژه در پی رکود شدید اقتصادی. تحت فشار قرار دادن طالبان برای ممنوعیت تولید در نبود بدیل‌های اقتصادی، کارآمدی چندانی نخواهد داشت، و تمرکز بیشتر باید روی مقابله با معضل مصرف مواد مخدر و رسیدگی به آثار مخرب جرایم سازمان‌یافته در زنجیره تامین این مواد باشد.

در نهایت، همه ما باید در مصرف و استفاده از داده‌ها، حتی داده‌هایی که توسط ارگان‌های معتبری مانند سازمان ملل ارائه می‌شوند، بسیار دقیق‌تر عمل کنیم. تولید داده‌های معتبر، به‌ویژه در کشورهای شکننده و جنگ‌زده مانند افغانستان با چالش جدی روبرو است، اما با ظهور تصاویر ماهواره‌ای با وضوح بالا و درک بهتر نحوه عملکرد اقتصادهای محلی در کشورهایمانند افغانستان، امکان بیشتری برای تصحیح روایت‌ها و داده‌هایی که توسط نهادهای سیاست‌گذار و مجری برنامه‌ها تولید می‌شود، به میان آمده است. ناکامی در ارزیابی انتقادی تر داده‌هایی که به ما ارائه می‌شود، به‌ویژه در زمانی که تقاضا برای تحریم و افزایش کمک‌های بشردوستانه فزونی یافته است، به معنای تکرار اشتباهات گذشته در طراحی پالیسی است که نه تنها هدف مورد نظر را تامین نمی‌کند بلکه اوضاع را بدتر می‌کند.

سفارشات

بازیگران بین‌المللی باید اهرم فشار بر طالبان را شناسایی نمایند. این اهرم در درجه اول روابط تجاری آن با همسایگان و دیگر کشورهای منطقه است. تحقیقات حاکی از اهمیت تجارت کالاها قانونی فرامرزی برای عواید طالبان است. سرمایه‌گذاری‌های مهم روی گسترش تجارت فرامرزی به شمول توافقنامه تجارت ترانزیتی افغانستان و پاکستان صورت گرفته است. بر مبنای آن، تجارت میان دو کشور از سر گرفته شد و افغانستان نقش تسهیل‌کننده تجارت میان کشورهای آسیای میانه و پاکستان را بازی می‌کند. این توافقنامه از سوی بسیاری از دונرها به صورت دو جانبه و چند جانبه حمایت شد. این‌ها مواردی است که می‌تواند به مردم و همچنین رژیم طالبان سود برساند. به همین خاطر، نیازمند توجه بیشتر می‌باشد.

در هیچ‌جا، کمک‌های انکشافی مشروط به توافق برای کاهش کشت کوکنار صورت نمی‌گیرد و جوابگو نیست. از درس‌های آموخته شده و از تجربه‌های ممنوعیت تولید تریاک در سال ۲۰۰۱ و متعاقب آن، ممنوعیت آن توسط حکومت کرزی باید استفاده شود. دونه‌های بین‌المللی باید تمرکز بیشتری برای مقابله با مصرف مواد مخدر انجام دهند و به تأثیرات زیان‌آور و جرایم سازمان یافته در طول زنجیره تمویل رسیدگی نمایند.

ساختار و ظرفیت تحلیلی UNSMT نیازمند اصلاحات است. این سازمان فاقد ظرفیت تحلیلی برای مشاوره به کشورهای عضو این سازمان در مورد مبالغ جمع‌آوری شده توسط طالبان است. این سازمان به شدت به روایت‌های رسمی حکومت‌ها و به نمایندگی‌های سازمان ملل متحد وابسته است. در عین حال، در تحقیق روی اقتصاد افغانستان به شمول تحلیل جغرافیایی، ناکام بوده است. با احتمال تداوم تحریم‌ها، لازم است برای چگونگی مصرف کمک‌های بشردوستانه و انکشافی ظرفیت UNSMT به گونه فوری ارزیابی شود تا این سازمان بتواند به شکل مناسب کارکردهای خود را انجام دهد.

به صورت عمومی تر، مقالات علمی و کارهای رسانه‌ای در مورد تمویل طالبان فاقد دقت است و باید توسط مقامات به چالش کشیده شوند. این تخمین‌ها اغلب حدس و گمان هستند و هزینه‌های بالای انجام تجارت در دولت‌های شکننده و جنگ زده را در نظر نمی‌گیرند. این حدس و گمان منجر به تخمین‌های اغراق‌آمیز از بودجه شورشیان می‌شود. شایعات و شنیده‌ها حتی زمانی که بررسی شده و در ژورنال‌ها منتشر می‌شوند جایگزین تحقیقات جدی نیستند. در مورد قضیه افغانستان، بسیاری از اطلاعات در مورد تمویل مالی طالبان گمراه‌کننده بوده و باعث شکل‌گیری پالیسی‌های شده که جمعیت محلی را بیگانه کرده و تمویل‌کنندگان را نسبت به خطرات برای جمهوری افغانستان اغفال نموده و برای مقابله با ظهور طالبان به عنوان یک نیروی سیاسی و نظامی ناتوان کرده است. مقامات باید به استفاده‌کنندگان داده‌ها و اطلاعات و روش‌های به کار گرفته شده برای تولید آن دقت بیشتر نمایند و در صورت نیاز، روی روش‌های بهتر و ب‌هروزتر سرمایه‌گذاری نمایند.

نویسنده دیوید منسفیلد
 مترجم عزیزالله اسفندیاری
 کد نشریه: ۲۱۰۶ د

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تاسیس گردید. هدف این نهاد تحقیقاتی انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۲۰ به عنوان یک نهاد غیر انتفاعی در وزارت اقتصاد ثبت گردید. طبق گزارش پوهنتون پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحصبت یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی در آسیای میانه در رده سوم قرار دارد. این نهاد با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلان به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برنده جایزه بهترین نهاد تحقیقاتی بین المللی سال ۲۰۱۸ مجله پراسپکت بریتانیا (Prospect Magazine) گردیده است.

تمویل کننده اساسی:

نهاد انکشافی بین المللی سویدن (Swedish International Development Cooperation Agency (SIDA)

تمویل کنندگان برنامه ها:

پروژه های مشخص واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۲۱ توسط نهاد های بین المللی ذیل تمویل گردیده است:

Global Challenges Research Fund (GCRF), the World Bank, the Foundation to Promote Open Society (FPOS), (CMI) and Institute of Development Studies (IDS).